

در این جا است که با اطمینان می توان گفت: شیخ طوسی و نجاشی به نسخه نهج البلاغه نظر داشته اند و بسیار بعید است نسخه ای که در مصر یا در حران بوده است و قاعدتا گزینش محقق رضی را با خود نداشته، مورد نظر این دو بزرگوار بوده باشد. ضمن این که تفاوت ها ممکن است در مجالی اثر گذار باشد اما در عموم مجالات چنین نیست.

گزارشی اجمالی از اختلاف نسخ عهدنامه

همگان می دانند که عهدنامه مالک به طور متفرق و جزیی در بی شماری از متون مسلمانان و نامسلمانان آمده است. در این میان برخی متون، گزیده هایی حجیم از عهدنامه را نقل کرده اند؛ کتاب هایی چون «المجالسة و جواهر العلم»؛¹ «دعائم الاسلام»²، «السادة و الاسعاد فی السیرة الانسانية»³ و «دستور معالم الحكم»⁴

این عهد به طور کامل (نسبی)⁵ در سه کتاب معروف «نهج البلاغه»⁶، «تحف العقول»⁷ و «نهاية الأرب فی فنون الأدب»⁸، نقل شده است.⁹

گفته شده:

حجم کلمات به کار رفته در این سه کتاب اخیر با یکدیگر متفاوت است. متن عهد در نهاية الارب حدود 3500 کلمه، در نهج البلاغه حدود 3800 کلمه و در تحف العقول حدود 5000 کلمه است.

حجم همسان این سه کتاب در کلمات بیش از 3000 کلمه است که 79% در صد از متن نهج البلاغه را فرا میگیرد.¹⁰

واضح است که احتمال موجه در تفاوت حجمی مورد اشاره احتمال اصالت داشتن حجم کمتر و وجود «درج» در حجم بیشتر نیست. این احتمال در مقام قابل اعتنا نیست، آن چه قابل دفاع می نماید، احتمال «سقط و تقطیع» در دو متن ناقابل حجم کمتر است؛ این احتمال وقتی تا حد اطمینان (بلکه قطع) پیش می رود که توجه داشته باشیم محقق رضی (و تا حدودی نویری) به دنبال گزینش فقراتی از این نامه بوده اند که در ادب، فصاحت و بلاغت بدرخشند؛ به همین دلیل نظامی منطقی و موضوعی در چینش خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار در نهج شریف مشاهده نمی شود. ضمن این که در دوران امر بین احتمال سقط و درج - هیچ قرینه ای هم که نباشد - احتمال سقط مقدم و حاکم است.

1. از ابوبکر دینوری مالکی، متوفا: 333ق.

2. از قاضی محمد بن نعمان مصری، م: 363.

3. از ابوالحسن عامری نیشابوری، م: 381ق.

4. از محمد بن سلامة قضاعی، م: 454.

5. کلمه نسبی (اشاره به احتمال) بلکه قطع به حذف برخی قسمت های عهد در مثل نهج البلاغه است.

6. از سید ابوالحسن محمد رضی، م: 404 یا 406.

7. از ابن شعبه حرانی، م: 332.

8. از شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نویری م: 732.

9. ر.ک: حسین پسندیده، مقاله «بررسی مقایسه ای متن عهدنامه مالک اشتر در سه کتاب نهج البلاغه، تحف العقول و نهاية الارب»، فصلنامه علوم حدیث، ش 64، تابستان 1391، ص 208.

10 همان، ص 210.

به این همه، باید افزود که عموم - یا همه - ناهمسانی ها یا موارد سقط و تقطیع در مقایسه با متن حجیم تر، به گونه ای نیست که به استدلال لطمه بزند.

مثلا در تحف العقول آمده: «انصف الناس من نفسک و من خاصتک و من اهلک»؛ و در دو متن دیگر آمده: «انصف الناس من نفسک و من خاصة اهلک»؛

همچنین در نهج البلاغه و تحف العقول آمده: «من ظلم عباد الله کان الله خصمه». و در نهایت الارب آمده: «من ظلم عباد الله کان خصمه».

در دو متن اخیر آمده: «فانهم صنفان؛ اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق».

و در متن اخیر آمده: «فانهم صنفان؛ اما اخ فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق».

البته ممکن است مواردی از ناهمسانی، یا سقط و تقطیع وجود داشته باشد که تغییری در مرجع ضمیر یا مشار الیه در اسم اشاره و امثال این امور ایجاد کند(قهرًا با مراجعه به متن غیر مبتلی به سقط، ابهام برطرف می گردد)، لکن احتمال اثر گذاری این عوارض در برداشت حکم شرعی از فقره مورد بحث، بسیار ضعیف و غیر قابل اعتنا است.

جالب این که از موارد تقطیع که بخشی از معنا را میگیرد، مواردی است که دال معنایی آن بخش در جای دیگر یا از سوی نهادی دیگر - غیر از عهدنامه - وجود دارد. به عنوان مثال: در برخی از نقل های عهدنامه 4 صفت: واجد بودن ویژگی علم، حلم، ورع و سخا برای قاضی و جمع علم و سیاست برای حاکم آمده است¹¹ و این در حالی است که اعتبار این ویژگی ها در قاضی و حاکم به عنوان وصف لازم در برخی و - لا اقل - به عنوان وصف کمال در برخی دیگر مورد شک و تردید نیست.

البته ممکن است استثنایی بر آن چه بیان کردیم - حد اقل به تصور برخی - وجود داشته باشد که باز آن هم لطمه به استدلال به متن موجود نمی زند. به عنوان مثال: یکی از وظایف مهم حاکم - که البته در متن نهج البلاغه تقطیع شده است - تلاش برای ایجاد وحدت رویه در صدور احکام قضایی است. امام - علیه السلام - به مالک دستور میدهند احکام اختلافی در شهرها به حاکم ارجاع داده شود تا حاکم با تشکیل کارگروه های علمی به حکمی ثابت برسد .

توجه کنید:

«و اکتب الی قضاة بلدانک فلیعرفوا الیک کل حکم اختلفوا فیہ علی حقوقہ ثم تصفح تلک الاحکام فما وافق کتاب الله و سنة نبیہ و الاثر من امامک فأمضه و احملهم علیہ و ما اشتبه علیک فاجمع له الفقهاء بحضرتک فناظرهم فیہ ثم أمض ما یجتمع علیہ أقاویل الفقهاء بحضرتک من المسلمین فإن کل أمر اختلف فیہ الرعیة مردود الی حکم الامام و علی الامام الاستعانة بالله و الاجتهاد فی إقامة الحدود و جبر الرعیة علی أمره و لا قوة إلا بالله».